

ف. تمکین

رفقای اشتراک کننده در کنفرانس سراسری نهضت آینده افغانستان

به یاد می آریم گفته ی از علامه میر غلام محمد غبار را، که میگفت:

مردم افغانستان بعد از هر بار غسل در حمام خون و آتش، باز همان لباس چرکین را به تن می کنند.

و اینک ما در پراکتیک حوادث ۳۰ سال اخیر و به خصوص پنج سال بعد از اشغال کشور بوسیله امریکایی ها مصداق این گفته را در عمل می بینیم .

هیچ کس فراموش کرده نمی تواند که اشغالگران غربی با شعار آزادی افغانستان از بنیادگرایی و نجات زن از چنگال بی عدالتی بر سر زمین ما تاختند و اینک شاهد هستیم که نه تنها کاری را برای نجات زن افغان انجام ندادند ، بلکه با حمایت وسیع از ارتجاعی ترین گروه های مذهبی زمینه نابودی نقش زن افغان را که یک رکن اساسی جامعه بود، مساعد ساختند. نصب کردن کلمه اسلامی در پیشانی دولت افغانستان و قبول آن از سوی امریکایی ها و اروپایی ها خود به معنی آن بود که جامعه افغانستان و بطور مشخص زنان اسیر قواعد شریعت بوده و ماهیت خود قوانین شریعت در اکثر موارد در تقابل با آزادی زن و تامین حقوق مساوی آنها با مردان میباشد. و هر نوع گرایش بسوی یک جامعه باز و سیکولر را ناممکن میسازد. انتصاب تعداد محدود از زنان وابسته به جریانات مختلف به معنی تامین حقوق زن نبوده و نخواهد بود. با اشغال قدرت توسط جهادی ها در ۱۹۹۲ عملاً آنچه را که دولت ح د خ ا برای شکل گیری یک حرکت استوار به نفع زنان کشور هسته گذاری کرده بود از بین رفت. و زن از موقعیت اجتماعی اقتصادی و سیاسی خود صرفاً به برده های جنسی و ستمکش پایین افتاد. و

این همه تغییرات در برابر چشمان و حتی با اشتراک آنهای صورت گرفت که خود را مدافعان حقوق بشر و دموکراسی در جهان میدانند و هر روز خون هزاران انسان را در نقاط مختلف جهان به همین نام می ریزند.

پالیسی حاکم در رژیم کابل عملاً در ضدیت با سهم گیری فعال زنان در عرصه تولید و رشد اقتصادی آنان سیر می کند. در حالیکه بیش از ۳ میلیون بیوه، ناشی از جنگ خانمانسوز تامین کننده مشکلات فامیل خویش هستند. و بنا بر گزارش مقامات مسؤل امریکایی به علت فقر وحشتناک که دامنگیر زنان افغان است ، ناگزیر و یا جبراً به عنوان برده ها جنسی مورد تجارت به کشورهای مختلف جهان قاچاق میشوند که باز شدن این صفحه سیاه در تاریخ زنان افغانستان و شرکت آنها در ترافیک مواد مخدر برای اولین بار پس از استقرار حکومت اسلامی بوجود آمد. همچنان زنان که حاضر نیستند مورد چنین معاملات قرار گیرند ناگزیر دست به گدایی میزنند و یا برای تامین زنده گی خود و اطفالش دشوار ترین خشونت های فامیل را متحمل میشوند. و این تراژیدی وحشتناک در شرایط بر زنان تحمیل شده که جامعه افغانستان زیر فشار استبداد ایدلوزیک مذهبی قرار دارد. واضحیست که اینهمه مصایب دست بدست هم داده، زمینه خود کشی ها و آتش سوزی ها را فراهم میسازد. و چنین فضای، زندگی و خوشبختی فرزندان را جریحه دار ساخته و نسلی دیگری به قربانگاه میرود.

و اگر در یک کلام بگویم زنان افغان سیاه ترین دوران حیات اجتماعی خویشرا سپری می کنند. فکر میشود بهتر است تا بر چی باید کرد ها بر گردیم تا باشد اگر حالا کاری را برای نجات زن افغان انجام داده نمیتوانیم برای فردا ها راهگشا باشیم. از نظر من نجات زن افغان به معنی نجات وطن از همه مصایب است که اکنون دامنگیر مردم ماست. و اینک که پس از سالها انتظار روشنفکران متعهد وطن برای بیرون جستن از وضع موجود دست بکار شده اند تا قبل از همه جریانات موجود نو به پا خاسته سیاسی منجمله نهضت آینده افغانستان به عنوان یک جریان چپ نوین سیاسی مجموعه از حوادث و آنچه که امروز در وطن میگذرد در برابر خود با خونسردی قرار دهد و جهت گذار از این دشواری ها با شناخت و تحلیل عمیق نه صرفاً مسایل درون

کشور بلکه در پیوند با رخدادها و فضای حاکم در منطقه و جهان مسوولیت را که در برابر آینده کشور و زنان دارند، با میتودهای جدید و عملی دست بکار شوند. ما باید بپذیریم که مشکلات را نمی‌شود با شعارها و احساسات حل نمود

تجارب تلخ دوران کار برای جنبش سازی زنان در حاکمیت ح د خ ا در برابر ما هنوز وجود دارد. منجمله یکی از نواقص آن دوران جدا کردن تشکیلات زنان از چوکات تشکیلات ح د خ ا بود. که ما عملاً عدم مؤثریت مبارزه زنان روشنفکر را در چوکات سازمان سراسری زنان افغانستان دیدیم. که با ختم و انحلال ح د خ ا عملاً این تشکیلات نیز از میان رفت. ما اکنون که حضور فعال سیاسی زنان را در درون ساختار سیاسی نهضت آینده افغانستان ضرور میدانیم، باید با درک واقعیت‌های موجود و سطح آگاهی زنان، طرق مختلف بسیج مجدد زنان آگاه کشور را مشخص سازیم. نباید فراموش کنیم که برخورد معامله‌گرانه رهبری دیروز ح د خ ا و تسلیم نمودن داوطلبانه قدرت به ارتجاعی‌ترین نیروها، دلسردی عمیق را در ذهنیت بخش وسیع از روشنفکران و منجمله زنان بوجود آورد. و باید به اقناع فکری آنها پرداخت و اما چگونه؟ که این خود یکی از وظایف اساسی در برابر کنفرانس موجود نهضت آینده افغانستان قرار دارد و فراموش نکنیم که صرفاً کار تیوریک سیاسی و شعارهای که عملاً از نظر فکری معنی ساختن مدینه فاضله را میدهد نی تنها موثر نیست که همچنان ضیاع وقت خواهد بود. زیرا طرف ما عملاً رفقای قرار دارند که به نحوه از کوره راه دیروز با عالم از تجارب خوب و زشت گذشته اند. به همین دلیل کار سازمانی در لحظه کنونی با مشکلات مواجه است که نه باید ساده گرفت. زندگی در مهاجرت و تاثیرات بزرگ و منفی آن که ابعاد گوناگون زندگی ما را احاطه کرده است، فکر میکنم امکانات جلب و بسیج زنان را به کندی مواجه خواهد ساخت. هدف ما که جلب و همکاری زنان روشنفکر و متعهد برای آینده افغانستان میباشد، آنها برای کار منظم سیاسی و روشنگری باید در میان زنان باشند، از زبان آنها بشنوند و مشترکاً راه‌های برون رفت از این دشواریها را جستجو کنند، نباید بسیج آنها صرف به منظور پر کردن یک خلا باشد، بلکه باید دست‌آورد‌های مشخص و محسوس داشته باشند. در زمینه نهضت آینده افغانستان باید نحوه بینش و برخورد خود را واضحتر در زمینه بسیج

زنان به خرچ دهد. دلایل چنین پیشنهاد بر این واقعیت استوار است، که جلب زنان در کار مشترک سیاسی، در درون تشکیلات نهضت آینده کار دوامدار و با مسوولیت برای نجات وطن و مردم را می‌خواهد و هم از نظر سیاسی اجتماعی و تاریخی با ارزش است. و اما این هدف را نمیشود در کاغذ بیان کرد تا زمانیکه ما بگونه فزیکه رابطه مستقیم با کشور و مردم خود نداشته باشیم. و اگر چنین است، بپذیریم که یک‌عده از زنان و دختران را که ما وارد تشکیلات سیاسی ساختیم، فردا ضرورت رفتن به وطن و کار در میان زنان داخل کشور اولیت پیدا کند (که فراموش نکنیم همین اکنون چنین ضرورت به صورت قطع مطرح است) در چنین حالتی که زندگی در غرب، بیشتر به گونه‌ی که باید (با روز زیست) با آن مواجه استیم، از نظر وقت آیا این فرصت و اجازه را به ما میدهد که ما وارد کار عملی شویم؟ در حالیکه شرایط زنده گی داخل وطن کاملاً آماده نیست، آیا فامیل‌ها برای زنان و دختران شان اجازه شرکت را در پیاده ساختن اهداف سازمان در داخل کشور خواهند داد؟ و اینها بخشی از مشکلات ما در لحظه کنونی است، که نباید از کنار آن در گفتار گذشت. و باید یکبار دیگر در برابر خود باید این سوال را قرار دهیم که اگر هدف ما مبارزه برای نجات مردم و وطن است پس ضرورت رفتن بوطن و قرار گرفتن در کنار مردم این هدف را بمقصد میرساند. بیایید صادقانه بگوییم که ما به خاطر چنین قربانی تا کدام اندازه آماده هستیم؟ گذشته از آنکه آیا شرایط حاکم بوطن این فرصت را در اختیار ما قرار نمیدهد. در حالیکه به هیچ عنوانی حاضر نیستیم با ارتجاع مذهبی و حامیان خارجی شان در دور یک میز به حل این مسایل پردازیم. سفید ساختن تاریخ سیاه سرنوشت زنان به کار و مبارزه آگاهانه، و دستان متعهد ضرورت دارد.

www.ayenda.org